

((زنان خیانت دیده... پرایی و پگونگی))

بدنبال بحث رابطه با مردان متاهل در این مقاله قصد دارم مطلب را از دیدگاه زنی که همسرش معشوقه ای اختیار کرده است بررسی کنم

هر چند اینکه گناه خیانت را به گردن همسر خیانت دیده انداختن گاهی خیلی منصفانه نیست اما رفتارهایی هم هست که متأسفانه در جامعه ما هم کم نیستند و باعث می شوند بطور غیر مستقیم مردها از همسر قانونی خود رانده شده و به سمت زنان دیگر متمایل شوند.....

۱- چک کردن های مدام و بی مورد: هر کسی فضایی خصوصی و محدود به خود دارد.... اگر مدام بخواهیم تلفن همراه... کیف... ایمیل و.... همسرمان را چک کنیم و مدام او را مورد بازخواست قرار دهیم علنا همسرمان را به سمت بی اعتمادی و خیانت احتمالی سوق می دهیم.... از قدیم الایام گفتن: " از هر چی بترسی سرت میاد!"..... چون به طور ناخواسته عوامل اون اتفاق رو فراهم میکنی.....

۲- سرکوفت زدن و مقایسه کردن: مردها بسیار مغرور هستند.... دلشان می خواهد که برای همسرشان بهترین باشند.... اگر مدام سرکوفت مردان دیگر را به شوهرتان بزنید و او را با دیگران مقایسه کنید... اگر یک روز چشم باز کردید و دیدید عاشق دختر همسایه شده تعجب نکنید!!

۳- زنانی که علاقه ای به رابطه جنسی ندارند: بله تعجب نکنید! اگر شما جزو اون دسته زنهایی هستید که در رختخواب مثل یک میت دراز می کشید تا آقا کارش تموم بشه و ثانیه ها رو می شمیرید تا زودتر از روی شما بلند بشه و شما یه نفس راحت بکشید.... آگه از سکس بعنوان ابزار تنبیه شوهرتون استفاده می کنید.... آگه اصطلاحاً فقط "مفعول" این رابطه هستید.... و.... اگر روزی همسر خودتون رو حتی با زنی بزرگتر از خودش یا حتی سطح پایین تر از خودتون دیدید زیادی جا نخورید!!!

۴- زنانی که فکر می کنند مردها فقط شکم و زیر شکم هستند: زنهایی که از لحاظ عاطفی همسر خودشان را ارضا نمی کنند و فکر می کنند همینکه کدبانو باشند و در رختخواب تمکین کنند کافی است با عرض معذرت زیادی خوش خیال هستند چون باید آماده باشند که اخبار دست اولی از شوهرشان بدست بیاورند.....

۵- زنانی که زیادی درگیر شغل خودشون هستند و خانه و همسرشون رو به کل فراموش کردند.....

۶- زنانی که بر عکس مورد بالا کاملا خودشان را فراموش کرده اند و انقدر مطیع شوهر و کنیز وار در خدمت او هستند که جسارتا مثل اسبی نجیب!! آماده سواری دادن هستند.....تعجب نکنید این دسته از زنان چنان از هویت خویش بیگانه شده اند و چنان وابسته به شوهر هستند که شوهر هیچ نگرانی از بابت راضی نگه داشتن آنان ندارد.....این گروه چنان همه چیز را برای شوهرشان آماده می کنند که شوهرشان هیچ مسئولیتی را احساس نمی کند و با خیال راحت به خودش می پردازد.....متأسفانه این دسته از زنان کار خودشان را عالی و خودشان را نمونه همسر ایده آل می دانند غافل از اینکه خودشان با دست خود زندگی خویش را به ورطه نابودی می کشانند

خب از موارد گفته شده که بگذریم برای هر زنی دردناک است که متوجه شود همسرش به او خیانت کرده است.....

اگر متوجه خیانت همسرتان شده اید و قصد ادامه زندگیتان را دارید به موارد زیر توجه کنید:

۱- به علت توجه کنید نه معلول!! مشکل از زندگی شما و همسرتان و شاید خود شما بوده نه نفر سوم.... متأسفانه در جامعه ما همه چیز را به معلول نسبت می دهند....زن زیبا و فریبنده همه جا هست....دلیل نمی شود که هر مردی تا یک زن زیبا دید یا اغواکننده دنبالش راه بیفتد که!!.....اگر کسی واقعا به تعهد خود وفادار باشد هزاران حوری و پری هم از کنارش رد شوند نگاه نخواهد کرد....این بهانه تراشی است که مرد است دیگر.....این توهین به شخصیت مرد است و هویت

انسانی وی..... پس اگر مرد شما خیانت کرده است مشکل را در زندگی خودتان بجویید نه در زنی که با همسرتان در ارتباط بوده است....حتی اگر وی هم حيله گر بوده شوهر شما خاصیت گول خوردن داشتهپس مشکل شوهر شما و زندگی شماست نه زنان جامعه!!

۲- از مزاحمت برای معشوقه همسرتان خودداری کنید...این مشکلی را از شما حل نخواهد کرد بلکه به مشکلات شما می افزاید!!

۳- از تقلید کورکورانه بپرهیزید....اینکه مشکل در زندگی و رابطه شماست درست است اما دلیل نیست که شما چیزی کم دارید به شخصه....خیلی از خانمها با اطلاع از اینکه همسرشان با زنی در ارتباط است به خیال اینکه آن زن از آنها بهتر بوده سعی می کنند ادای او را در آورند!! اگر بی حجاب بوده اند ممکن است محجبه شوند....اگر محجبه هستند ممکن است بی حجاب و آرایشی شوند....کار به قدری در بعضی موارد حاد می شود که همسر آن مرد سعی دارد حتی در حرف زدن و راه رفتن و نوع کتاب خواندن هم ادای نفر سوم را در بیاورد.....

۴- شوهرتان را زیادی لوس نکنید.... اینکه به این نیت که همسرتان را از چنگ رقیب در بیاورید مدام به او آوانتاج بدهید اشتباه محض است....او اشتباه کرده و کارش هم خطا بودهچه در حق شما چه در حق نفر سوم.... پس نباید بابت عمل اشتباهش به او جایزه بدهید

۵- زندگی شما یک بازبینی و تعمیر جدی نیاز دارد...به جای غرولند و رفتارهای نامعقول سعی کنید از زوج درمانی کمک بگیرید....مشاوره تنهایی رفتن کمک زیادی نمیکند

۶- پای بچه ها را تحت هیچ شرایطی به ماجرا باز نکنید...لطمه این ماجرا برای روح لطیف آنها جبران ناپذیر خواهد بود

۷- در آخر اینکه هر کسی یکبار به دنیا می آید....یکبار "بله" گفتن دلیل تا ابد بودن آن نیست....شاید لازم باشد اصلا در ادامه دادن یا ندادن زندگی زناشویی خودتان تجدید نظر کنید.....

((روسپیگری در سوئد))

برای قرن‌ها این کلیشه گفته شده است که "روسپیگری همیشه بوده و خواهد بود"، اما اینک، موفقیت یک کشور در از میان برداشتن روسپیگری همانند فانوسی است که راه را روشن کرده است. سوئد تنها در طول پنج سال توانسته است شمار زنان روس - پ - ی در این کشور را به طرز چشمگیری کاهش دهد.

روسپیگری در استکهلم، پایتخت این کشور، دوسوم کاهش یافته است و در دیگر شهرهای بزرگ نیز به طور کامل حذف شده است. این درحالی است که در سه دهه گذشته، به سبب قانونی بودن روسپیگری، فاحشه‌خانه‌ها و مراکز ماساژ در سوئد رشد زیادی داشتند.

این نکته جالب است که هم‌اکنون شمار زنان خارجی که برای روسپیگری به سوئد قاچاق می‌شوند بسیار کم است. مقامات دولتی در سوئد تخمین می‌زنند که در ظرف سال‌های گذشته، تنها ۲۰۰ تا ۴۰۰ زن و دختر در هر سال، به این کشور قاچاق شده‌اند. این آمار در مقایسه با ۱۵ تا ۱۷ هزار زن و دختری که به کشور همسایه، فنلاند قاچاق شده‌اند، رقم ناچیزی است.

سوئد چگونه این مسئله پیچیده را مدیریت کرده است؟ نکته جالب اینجاست که راهکار اجرایی، به هیچ وجه "پیچیده" هم نبوده است. اصولش آنقدر ساده است که این پرسش مطرح می‌شود: چرا تا حالا کسی آن را امتحان نکرده بود؟

قوانین مترقی سال ۱۹۹۹

پس از سال‌ها تحقیق و مطالعه، سوئد در سال ۱۹۹۹ قانونی را تصویب کرد که بر پایه آن، "خرید سکس" جرم محسوب می‌شود، اما فروش آن به هیچ وجه جرم نیست. بدین معنی که اگر یک فاحشه با مشتری دستگیر شود، مرد مشتری را بازداشت و جریمه یا زندانی می‌کنند. ولی با آن زن مثل قربانی برخورد می‌شود و نه مجرم. یعنی فرضاً او را به خانه امن یا مراکز بازآموزی و غیره... می‌فرستند.

منطق پشت این قانون نیز کاملاً روشن است:

روسپیگری در سوئد به عنوان "خشونت مرد علیه زن و کودک" تلقی می‌شود.

روسپیگری به عنوان شکلی از "بهره‌کشی از زنان و کودکان" تعریف می‌شود و خود عامل بروز مشکلات اجتماعی بسیار است.

برابری‌های جنسی تا زمانی که درصدی از مردان، زنان و کودکان جامعه را خرید و فروش می‌کنند و مورد بهره‌کشی قرار می‌دهند، به نظر دست‌نیافتنی می‌رسد.

علاوه بر راهکارهای مشخصاً قانونی، تمهیدات مهم دیگر نیز در این زمینه مطرح است.

به موجب این مقررات، خدمات اجتماعی و امکانات مالی به منظور کمک به روسپیان و نیز آموزش جامعه در نظر گرفته می‌شود.

واقعیت این است که سوئد طی سال‌های طولانی برای تحقق حقوق برابر زنان تلاش کرده است. برای مثال در سال ۱۹۶۵، سوئد به مسئله "تجاوز در ازدواج" پرداخت.

این درحالی است که حتی پس از سال ۱۹۸۰، هنوز در آمریکا، در چند ایالت برای زنان "حق بر بدن" و کنترل آن را به رسمیت نمی‌شناختند.

سوئد با روسپیگری به عنوان فرمی از خشونت علیه زنان برخورد می‌کند.

در واقع مردی که از زنی سکس می‌خرد، مرتکب جرم می‌شود. به خاطر همین نیز در سوئد با بیشتر زنان روس - پ - ی به مثابه "قربانی" رفتار می‌شود؛ قربانیانی که نیاز به کمک و یاری دارند. از سویی دیگر،

به منظور از میان برداشتن این ذهنیت تاریخی که روسپیگری امری است عادی و گریزناپذیر، عموم مردم آموزش می‌بینند. در واقع مقررات مربوط به منع روسپیگری و خرید سکس، بخشی از برنامه قانونی جامع‌تر در راستای مبارزه با خشونت علیه زنان بود که در سال ۱۹۹۹ تصویب شد.

با توجه به الگوی موفق سوئد در زمینه مبارزه با روسپیگری، چرا کشورهای دیگر چنین رویه‌ای را پیش نگرفته‌اند؟ البته، برخی از کشورها تلاش‌هایی کرده‌اند. برای نمونه فنلاند و نروژ در حال بررسی این قانون هستند و اگر اسکاتلند نیز از نتیجه تحقیق انجام شده درس بگیرد، به همین سمت خواهد رفت.

برای اینکه روسپیان را در شمار قربانیان خشونت قلمداد کنیم، لازم است ابتدا مقامات دولتی، به جای آنکه مسئله را از نقطه نظر مردان جامعه ببینند، از دیدگاه زنان آن را تحلیل کنند. نکته محوری این است که در بیشتر کشورهای دنیا (البته نه در همه جا) هنوز نگاه غالب به روسپیگری، نگاه مردانه است.

دولت سوئد هم‌چنین بالاترین شمار سیاستمداران زن را در تمامی سطوح دولتی دارد.

در سال ۱۹۹۹، وقتی دولت قانون مترقی منع روسپیگری را تصویب کرد، ۵۰ درصد از نمایندگان پارلمان،

زن بودند